

سومین کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ با همکاری نگارخانه آریا و کارخانه سباستگ، چهارشنبه ۲۱آبان به پایان رسید. علاقه‌مندان می‌توانند همین امروز از این آثار در کارخانه سباستگ، پنج‌کیلومتر بعد از فرودگاه امام‌خمینی(ره)، شهرک صنعتی شمس‌آباد دیدن کنند. این کارگاه دوهفته‌ای زیر نظر مجسمه‌ساز برجسته عراقی مقیم لندن، علی جبارحسین برگزار شد و ۱۰ هنرمند راه‌یافته به این کارگاه آموزشی اجرایی نسیم دهقان، راحیل کریم‌لو، شیدا نوری‌وزیری، فرزانه عبدلی، الهام پویان، مریم عماد، حمیده آتش‌پا، نازی پورشیرمحمد، مریم بیانی و نیما جراح امروز آثارشان را به تماشا می‌گذارند؛ آثاری که با موضوع «همجواری» خلق شده‌اند و روایتی از این معنا را به نمایش می‌گذارند؛ این گزارش دیدگاه‌های برگزار کنندگان و برخی هنرمندان حاضر در این کارگاه را بازتاب می‌دهد.

رایگان، به نفع خلاقیت

آریااقبال، مدیر گالری آریا درباره نحوه شکل‌گیری این کارگاه‌ها می‌گوید: «ایده شروع کارگاه از گفت‌وگویی که بین من و بابک بهرامی که سال‌های درازی است او را می‌شناسم، شروع شد. داستان به‌اینگونه بود که حدود چهارسال پیش آقای‌بهرامی از فضای خنک موجود در محیط کارخانه سباستگ گله کردند و من به ایشان پیشنهاد ورود به فضای هنر را دادم. اجرایی‌شدن این ایده در ذهن هردو ما شکل گرفت و به دنبال آن نخستین کارگاه در سال ۹۱ برگزار شد.» او درباره دلیل انتخاب سنگ در این دوره

اظهار می‌کند: «حقیقت این است که مجسمه‌سازی با سنگ، کار بسیار سختی است به همین دلیل هنرچوها در ایران امکانات کار با سنگ را ندارند. بارها دیده‌ام در سمپوزیوم‌هایی که در آن افراد خارجی حضور دارند، هنرچوها بسیار دقت می‌کنند که ببینند نحوه کار به چه شکل است».

او با ابراز امیدواری از اینکه در کارگاه‌های مجسمه‌سازی پیشرفته بتوان به امکان فعالیت هنرمندان با سنگ کمک کرد، می‌گوید: «در کارگاه‌های مجسمه‌سازی پیشرفته امیدواریم که بتوانیم این نقیصه را جبران کنیم زیرا علاقه و استعداد در بین هنرمندان جوان ایرانی موج می‌زند.» او یادآور می‌شود: «برای شکل‌گیری این دوره فراخوانی انتشار یافت و از میان ۱۵۰۰ طرح پیشنهادی، علی جبارالحسین این کارها را برگزیدند ما با آگاهی از قیمت بالای سنگ‌ها و نیز هزینه‌های دیگر این کارگاه، ترجیح دادیم بر خلاف دوره پیشین، هیچ شهریه‌ای از هنرمندان دریافت نکنیم تا طرح‌های خلاقانه و پیش‌روی بیشتری به ما برسد».

مجسمه‌سازان ایرانی و فلز

علی جبارالحسین، هنرمند مطرح عراقی که هم‌کنون در لندن اقامت دارد، به‌عنوان سرپرست این کارگاه درباره گزینش آثار می‌گوید: «بسیاری از شرکت‌کنندگان این کارگاه، جوان و بااستعداد هستند؛ کیفیت طرح‌های رسیده و ماکت‌ها به حدی بالا بود که من توان انتخاب نداشتم و اگر امکانات و فضای کار بیشتر مهیا بود، به‌حتم می‌شد علاوهبر ۱۰ هنرمند موجود، دست‌کم چندین هنرمند دیگر هم در این ورکشاپ حاضر باشند».

او درباره معیار انتخاب آثار اظهار می‌کند: «معیار انتخاب کارها بر اساس تم کارگاه یعنی «همجواری» بوده، اما مساله فرم در اثر برای من بسیار مهم است به همین خاطر در بدو امر شکل و فرم را در اولویت قرار دادم. باید اعتراف کنم بسیاری از مدل‌ها حرفه‌ای بود و من با توجه به جوان بودن هنرمندان و کم‌تجربه بودن آنها، از آثار منعجب شدم.»

جبارالحسین ادامه می‌دهد: «طراحی‌ها خیلی خوب بود بنابراین من سعی کردم مجموعه‌ای از فرم‌های ملرور و آثار تندوتیز را در کنار یکدیگر انتخاب کنم. از این‌ها فرم‌هایی را که یافت و ترکیب‌بندی مناسبی نداشت یا بسیار پیچیده بودند، کنار گذاشتم زیرا فکر کردم اگر من به‌عنوان یک هنرمند حرفه‌ای نتوانم این کار را انجام دهم، این هنرمندان جوان نیز نمی‌توانند بنابراین آنچه که باقی ماند و به کارگاه راه یافت، از نظر یافت، ترکیب‌بندی و کنتراست کارهای بسیار خوبی است.»

جبارالحسین سطح آثار را نزدیک به سمپوزیوم تهران می‌داند: «امیدوارم با شور و علاقه‌ای که این هنرمندان جوان دارند و کمک من، کارها به سطح سمپوزیوم تهران نزدیک شود زیرا طرح‌ها بسیار خوب هستند» او با اشاره به اینکه هنرمندان ایرانی فضای کاری گسترده‌ای دارند، می‌گوید: «زمینه کاری و هنری در ایران بسیار گسترده و باز است که متعاقب آن، هنرمندان بسیاری در این فضا حضور دارد. به نظر من ارتباطات این هنرمندان با دنیا خوب است و از نظر سوزه، تکنیک و ایده کارهای خوبی دارند.» جبارالحسین ادامه می‌دهد: «از سال ۲۰۰۷ تاکنون

جدول ۲۱۲۱ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- زرتنگ و قهقه‌ای- از باشگاه‌های فوتبال اسپانیا
۲- ورزش یخ و چمن- کناره- نوشیدنی- سکرآور ۳- فاضلاب- سردار- شیشه ۵- بسته‌شدن- معاینه کلی برای ارزیابی وضع جسمانی- از دل پرسوز برآید ۶- از ادات پرشش- لباس کوتاه جلویاز که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند- موجود زنده‌ای که برای زندگی نیازمند اکسیژن است ۷- به‌جای آوردن سجده- حریر ساده- آماس ۸- از طرف آتشپزخانه- میل به غذا- واحد شمارش پارچه ۹- خودروی فرانسوی- گردکان- کوچک‌تر ۱۰- عددی دورقمی- به مرحله چاپ و توزیع رسیدن کتاب- آهار ۱۱- قلم انگلیسی- گروه خلاقکاران- برچیده‌شدن ۱۲- پارچه ظرف بافت- مگس- پوتین ۱۳- قول و قرار- باقیمانده حاصل از سوختن چوب- بندری در لوکراین ۱۴- حشرهای مفید با زندگی اجتماعی- کوره گچ‌پزی- تغار چوبی ۱۵- خودکشی آیینی سامورایی‌ها- در کمال احتیاج از خلق... خوش است.

عمودی:

۱- هدیه‌دادن- نویسنده و شاعر نامدار ایتالیایی و خالق داستان «زمین بومی» ۲- محل استقرار نیروی نظامی و جنگ‌افزار- دانه‌های خوراکی مانند عدس و لوبیا- رنج و سختی ۳- زمان حاضر- حرف یزید می‌شکنند- چاره‌اندیشی ۴- خرده‌سنگ- ارزیابی کردن- اوضاع جوی ۵- دستگاه نمایش فیلم- قسمت کم‌عمق رودخانه- مجرای خون ۶- دوتانصفه- معروف و مشهور- همچنین ۷- دلاوری- بهشت ارم را بنا نهاد- مسکن



گزارش کارگاه مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ

سفر به عمق سنگ

سمیه باقری

نام‌های جدیدی وارد عرصه هنر مجسمه‌سازی ایران شده که نشان‌دهنده پیشرفت خوبی است اما به نظر می‌آید هنرمندان مجسمه‌ساز ایرانی با فافز بهتر از سنگ کار می‌کنند. شاید به این دلیل که کار حرفه‌ای با سنگ مدت‌زمان اندکی است آغاز شده و به حرکت و تلاش‌های بیشتری نظیر همین کارگاه‌های جدی و پیشرفته نیاز است تا هنرمندان بتوانند به قدرتی برابر با چوب و فلز دست یابند.»

مجسمه‌های شهری، ورزش ذهنی شهروندان

علی جبارالحسین همچنین حیرت‌را از اینکه ۹ شرکت‌کننده در این کارگاه مجسمه‌سازی، خام هستند، پنهان نمی‌کند: «متعجب شدم که چرا این اتفاق افتاد؛ واقعیت این است کارهای خوب متعلق به خانه‌ها بود، نمی‌دانم شاید دلیل آن شور و علاقه بیشتر باوان باشد چرا که مردها بیشتر درگیر امرار معاش هستند و به همین دلیل زنان فضای بازتری برای کار پیدا کرده‌اند.»

این هنرمند توضیح می‌دهد: «مسایل مختلفی در حضور پرنگ زنان در هنر دخیل است، اما در مجموع، زنان در ایران خلاق هستند، البته من در زمان انتخاب آثار، اسامی را ندیدم و از خام بودن آنها اطلاعی نداشتم، من کارها را بر اساس قابلیت آثار انتخاب کردم و این موضوع برای من نیز بسیار جالب بود.

جبارالحسین هنر مجسمه‌سازی را در ارتباطی تنگاتنگ با خلق و خوی مردم جامعه می‌داند:

«ما باید مجسمه‌های خوبی خلق کنیم و در فضاهای عمومی به نمایش بگذاریم زیرا این بخش رابط‌ای تنگاتنگ و متقابل با زندگی هر روز ما دارد. وقتی یک مجسمه در مسیر کار افراد قرار می‌گیرد، به‌نوعی وارد زندگی او می‌شود. درواقع یک مجسمه مانند ورزشی ذهنی است که ذهن و چشم افراد را به کار می‌گیرد مثلا کودکان در راه مدرسه و خانه، تصاویری را می‌بینند که در ذهن آنها ماندگار می‌شود و تا بزرگسالی با آنها باقی می‌ماند بنابراین باید مجسمه‌های حرفه‌ای و خوب بسازیم» این هنرمند حمایت انجمن‌ها و بخش خصوصی را در رشد مجسمه‌سازی موثر می‌داند: «باید انجمن‌ها از این هنر حمایت کنند تا آثار خوب در معابر عمومی نصب شوند و بتوانند با نگاهی مثبت، بخشی از زندگی مردم شوند.» جبارالحسین سپس به سبک کاری خود اشاره می‌کند: «مهم‌ترین چیز برای من کنتراست است

تجسمی

در این زمینه روبه‌رویم، امیدواریم ایسن کارگاه، معماران و انبوسازان ساختمانی را متوجه اهمیت حضور اثر هنری در محل کار و زندگی‌مان کند البته ما پس از کارگاه اول موفقیت‌هایی هم در این‌باره داشتیم و چندمعمار خوش‌ذوق، به مجسمه‌سازان کار سفارش دادند، اما این روند باید رشد بیشتری کند و به‌عنوان مطالبه شهروندان از ساختمان‌ها درآید.»

نیاز به بازار مصرف

حمید شانس، هنرمند مجسمه‌ساز که از نزدیک روند کار این کارگاه را زیر نظر داشت، با ابراز خرسندی از برگزاری چنین دوره‌هایی می‌گوید: «کار در فضاهای جمعی متفاوت است، معمولا اتفاقاتی در آن رخ می‌دهد که نتیجه برآیند روابط اجتماعی است و به نظر من تجربه‌ای که به هنرمند عطا می‌کند، ارزشی به‌مراتب بیش از خلق اثر دارد.» این هنرمند مجسمه‌ساز با اشاره به حضور علی جبارالحسین، هنرمند مطرح عراقی در این دوره از کارگاه‌اظهار می‌کند: «طبیعتا وجود یک مجسمه‌ساز حرفه‌ای که ایرانی هم نیست و سابقه کار طولانی دارد، مزید بر علت است که فضای سازنده‌تری ایجاد کند. من گمان می‌کنم ایسن فضاها کمک می‌کند درک عمیق‌تری از قابلیت‌های اجتماعی مجسمه‌سازی برای هنرآموزهایی که در کلاس شرکت می‌کنند، شکل گیرد و این مساله اساسی است».

شانس، افزایش ارتباط هنر مجسمه‌سازی با دنیای بیرون را ضروری می‌داند: «وجود مجسمه‌سازهایی که در داخل ایران کار نمی‌کنند، برای این بخش لازم است زیرا این جریان، بسیار بسته و درونی شکل گرفته و تنها در چارچوب توانمندی‌های ایرانی است».

او در مورد بخش خصوصی می‌گوید: «اتصال با بخش خصوصی در این برهه از زمان برای هنر مجسمه‌سازی ضروری است زیرا ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مبتنی بر شیوه اقتصاد تولید کالای انبوه و سرمایه‌داری است بنابراین هرچرانی از هنر و فرهنگ نیاز به یک زمینه اقتصادی و ارتباط مالی با مجموعه عوامل پیرامون دارد. هرهنری به‌مثابه کالا در عرضه، تقاضا و جایگاه اجتماعی شکل می‌گیرد، به همین علت رشد و استقلال مجسمه‌سازی و جدانشدن از دولت، نیازمند اتصال به بخش خصوصی است.» شانس، با تاکید بر اینکه مجسمه‌سازی نیازمند یافتن بازار مصرف خود است، اظهار می‌کند: «مجسمه‌سازی باید بتواند حامیان و مشتریانش را بیابد بنابراین نیازمند تعامل بیشتر با بخش خصوصی هستیم تا مجسمه‌سازی به‌عنوان یک کالا وارد بازار شود. نباید نگران این باشیم که در جامعه‌ای به شکل سرمایه‌داری هنر را به‌مثابه یک کالا ببینیم زیرا این نگاه در نهایت وجود دارد بنابراین چه بهتر که با صراحت بتوانیم مصرف‌کننده بباییم و با جریان همراه شویم.»

بخش خصوصی آزادی عمل می‌دهد

محمدحسین عماد، مجسمه‌ساز معاصر نیز از دیدار کنندگان این کارگاه است. او با ابراز خرسندی از برگزاری چنین رویدادی با حمایت بخش خصوصی می‌گوید: «این اتفاق یک شروع مثبت و خوب است زیرا خلق اثر در بخش خصوصی آزادی عمل به هنرمند می‌دهد و فضای هنر را شفاف‌تر می‌کند.» او تصریح می‌کند: «در بخش‌های دولتی گاهی سفارشی‌سازی وجود دارد که باعث می‌شود هنرمندان بر آن اساس کار کنند و حتی آثار بعد از انتخاب تغییر پیدا کند، اما در بخش خصوصی چنین موانعی وجود ندارد. قطعا روندی که امروز شاهد هستیم، از این‌دا اینگونه نبوده و در آینده نیز به سمت بهبود بیشتر حرکت می‌کند اما من معتقدم هنر در آزادی معنا می‌یابد که بخش خصوصی امکان فراهم کردن شرایط آن را دارد.»

عماد تاکید می‌کند: «هنر به زبان آن مربوط است و من معتقدم مجسمه‌سازی هنری روزمره نیست، بنابراین نباید انتظار داشت کاملا به‌روز و منطبق با خواست روز باشد. معتقدم تفکر انسان و نگاه او به هستی مجسمه‌سازی را شکل می‌دهد و جدای از هنرهای موسمی و مفهومی است که امروزه رایج شده است، به نظر من یک نقاشی یا مجسمه و در کل اثر هنری تجسمی با نگاه به هستی و عمیق‌شدن در این پخش سر وکار دارد.»

سومین کارگاه مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ در حالی به پایان رسید که قرار است دواتر برگزیده این کارگاه با دآوری حمید سوری، حمید شانس و فرشید مثقالی به یک سفر مطالعاتی به یکی از سه کشور ایتالیا، ترکیه یا ارمنستان اعزام شوند؛ گویا واسط آذرمه این دوبرگزیده معرفی می‌شوند.

بوم خاکستری

نگاهی به نمایشگاه سالانه هنر دیجیتال تهران

هنر در زیرزمین مجتمع تجاری

نمایشگاه به اسم گالری محسن است و آدرس بالای شهر تهران، زیرزمین مجتمع تجاری سام‌بستر؛ جایی که این‌روزها حضور فشن‌دیزاینری صاحبانم که از آن سوی آب آمده و بعضی را به‌خط کرده تا استاد با دستان خود، تن کت‌وشلوارهای ۴۰۰میلیون‌تومانی را اندازه کند. عصر جمعه هوا تاریک و نمناک است، از میان صدای غرش ماشین‌ها از تکیانده فرشته بی‌توجه می‌گذری و حواست هنوز به بوی باران است که وارد فضای تاریک‌تری می‌شوی و حباب می‌بینی و بوی قهوه. دروبرت را می‌پایی که همه‌چیز مرتب‌بوده‌باشد. سنگینی مجتمع تجاری سام‌بستر را احساس می‌کنی. دیوارها مشکی، کف مشکی و سقف هم همین‌طور. صدای افتتاحیه می‌آید و بوی گل و شیرینی. می‌روی سراغ پوستری مشکی، روی میزی مشکی. تقریبا چیزی دستگیرت نمی‌شود. حباب و بوی قهوه ولت نمی‌کند و استرس‌داری هنوز. سراغ حباب‌ها می‌روی. شماره موبایل دستگاهی مجهول‌الحال را نوشته‌اند تا بهش اس‌ام‌اس بزنی. اس‌ام‌اس مرد جوانی دلپورد می‌شود و دستگاه حباب به آنها تحویل می‌دهد. و آنک خنده حضار. می‌روی کنار که حباب‌ها بهت اصابت نکنند. حباب‌ها علامت سوال‌هایی می‌شوند دور سرت که به سنگینی سام‌بستر اضافه می‌شود. همه‌جا تاریک است و گنگ و پرسروصدا. دنبال آشنا می‌گردد تا احساس امنیت کنی. مردم سرشان را به پنجره‌ماندنی می‌پرند بی‌آنکه هم را ببینند، با هم حرف می‌زنند. چیزهایی آن تو می‌بینند و بعد خنده حضار. چیزهای سفیدی شبیه به گیاههای دریایی روی نخته‌هایی روبه‌روی هم تکان می‌خورند انگار که به بلندگویی وصل شده باشند. نمی‌فهمشان. می‌رقصد؟ آدم‌ها به آنها نزدیک می‌شوند. دقت می‌کنند و نمی‌خندند. اثر بعدی سکویی است مشکی با لوله‌های مشکی و فلکه‌هایی در میان. شبیه به موتورخانه‌هایی با بوهای نامور. هنوز بوی قهوه را نفس عمیق می‌کنسی انگار نزدیک‌تر شده است، اما هنوز نمی‌دانی کی‌است. فلکه‌ها درواقع فلکه‌های موج‌های رادیویی هستند که با بلندگوهای مشکی صابایشان را می‌توان شنید صدای خوش‌وش افتتاحیه را اما بیشتر... گوشه‌ای می‌توان پیدا کرد که لنگر بگیري و از دور نگاهی کنی. زیرزمین‌بودن اینجا، ربطی به هنر زیرزمینی دارد آیا؟ لابد دارد. بین اینجا هیچ‌چیز بر اساس رسم مرسوم نیست؛ رسم مرسومي که در شهر می‌بینی. حتی نمی‌توانی با گالری‌هایی که آثار را با قیمت‌هایشان برای نمایش می‌گذارند مقایسه‌کننی. گرچه همان‌هایی را که اینجا می‌بینی تقریبا همان‌هایی هستند که همه‌جا می‌بینی؛ جمعیت گالری‌رو، البته همان گل‌ها و شیرینی‌ها و ربوبی‌ها. اما فرق‌هایی این وسط هست. اینجا دو چیز را نمی‌بینی. یکی قیمت دیگری اثرهای مدرنی که نه به حیرت می‌آورند، نه به چیزی از راجعت می‌دهند، نه پرات جالب است و نه جدید تنها جذابیشان برای تطبیق قیمت اثر با نام هنرمند و یکسری چیزهای دیگر است. تقریبا کاری که در مغازه‌های سام‌بستر می‌کنی. یک بازی احمقانه بازار، در گالری‌های هنری. وقتی قیمت ندارد احساس می‌کنی آثار برای دیدند، برای مخاطبند نه برای خریداران گمنام و پنهان پشت پرده‌ای که مخاطب تنها لایسل‌شکران است.

عین همین مجتمع‌های تجاری بالای، همین که قیمت ندارند سهم گالری و سهم هنرمند و درحد و چک برایت تداعی نمی‌شود. احساس می‌کنی با آدم‌هایی طرف هستی که چیزهایی که برای نمایشگاه آورده‌اند، تجربه‌هایشان است نه فروشناهشان و چنان حس اعتمادی می‌دهد که می‌توانی حتی با آثاری که بر از تکنولوژی‌های پیشرفته و پیچیده هستند به راحتی رودررو شوی و نگاه‌شان کنی بی‌آنکه نیازی باشد، با قیافه‌ای خاص، در عمق رنگ، فرم و روشنفکراری خیره شوی. اینجا می‌توانی با آثار ارتباط بگیری، می‌توانی باهانشان حرفی بزنی، بخندی، دست دراز کنی... بروی پیش‌شان تا کشف‌شان کنی و منتظر چیز جدیدی باشی. ممکن است چیز چندان جالبی نبای، اما می‌توانی یک چیز جدید تجربه کنی، زیرزمین اینجا یک حس واقعی می‌دهد: شبیه حس واقعی «زیرمینی».

به انتهای نمایشگاه که می‌رسی، نیم‌کتهایی می‌بینی با لپ‌تاپ‌ها و چیزهایی شیشه‌ای-آهن‌ای که تصویرهایی مجازی و واقعی برایت می‌سازد. پشت یکی از لپ‌تاپ‌ها می‌نشین، تصویر پسری را می‌بینی که دارد در خانه‌اش کار می‌کند. هیچ توجهی هم به تو ندارد. کنار دستی‌ات اما دارد با آن‌سویی حرف می‌زند: اسمت چیه؟ من دوست پگاهم. به خودت که می‌آی می‌بینی در فضایی مجازی- واقعی، میان لپ‌تاپ‌های پیش‌رو و انعکاس مجازی‌شان در فضای واقعی اطرافت غرق شده‌ای. خود تصویرهایی که می‌بینی هم تصویرهای مجازی‌ای از آن بیرون هستند؛ بازنمایی زندگی دیجیتالی که دیگر مرز واقعیت و مجازات را نمی‌توانی از هم جدا کنی. راضی از اینکه کار خوبی کشف کرده‌ای، فنتجان قهوه‌ای می‌گیری و فکر می‌کنی همین‌که که هست، خوب است و کاش همه هنرهای قیمت‌بودند...

			۳					۴	۵				
			۹					۴					۶
			۷							۹		۲	
			۴						۱	۳		۶	
			۶								۱		۷
			۸						۵			۸	
			۶							۲		۱	
			۸								۸		۳

۸	۲		۴	۳	۵	۹							
۱				۸			۷		۵	۶			
					۹			۱					
۳		۸		۸		۶				۲			
۹		۶			۴						۷		
۶	۸	۱						۵			۹		
۵		۳						۷		۸			۳

سودوکو سخت ۱۱۱۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۱۱۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲	۵	۷	۱	۳	۴	۶	۸	۹
۸	۶	۳	۵	۷	۱	۲	۴	۹
۵	۲	۱	۶	۸	۳	۷	۹	۴
۴	۹	۸	۷	۱	۵	۲	۳	۶
۳	۱	۶	۲	۳	۸	۴	۵	۷
۱	۵	۷	۳	۴	۶	۸	۹	۲
۷	۲	۴	۵	۶	۳	۹	۱	۸
۱	۸	۹	۴	۷	۲	۵	۶	۳
۶	۳	۵	۸	۹	۱	۷	۴	۲

۴	۷	۳	۲	۱	۵	۶	۸	۹
۱	۹	۸	۷	۳	۶	۴	۲	۵
۶	۵	۲	۸	۴	۱	۳	۷	۹
۸	۴	۹	۵	۲	۱	۷	۳	۶
۵	۳	۱	۲	۶	۷	۸	۹	۲
۷	۴	۶	۳	۹	۵	۴	۱	۸
۳	۱	۷	۶	۲	۹	۵	۸	۴
۹	۸	۴	۱	۵	۳	۲	۷	۶
۲	۶	۵	۸	۷	۹	۳	۱	۴

جدول ۲۱۲۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵
۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵
۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰